

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۷/۱۸  
تاریخ بررسی مقاله: ۹۰/۰۸/۱۴  
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۰۱

مجله دست آوردهای روان‌شناختی  
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)  
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان ۱۳۹۱  
دوره‌ی چهارم، سال ۱۹-۳، شماره‌ی ۲  
صص: ۴۴-۱۵

## طراحی و آزمون الگویی از پیشایندهای مهم رفتار اجتماع یار دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز

\* علی‌رضا عظیم‌پور

\*\* عبدالکاسم نیسی

\*\*\* نسرین ارشدی

\*\*\*\* منیجه شهینی‌یلاق

\*\*\*\*\* کیومرث بشلیده

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی و آزمون الگویی از پیشایندهای مهم رفتار اجتماع یار در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بود. در این الگو همدلی به عنوان متغیر مستقل به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق میانجی‌های دین‌داری، هویت اخلاقی و استدلال اجتماع‌یار اخلاقی، رفتار اجتماع‌یار را پیش‌بینی می‌کند. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۴۳۸ دانشجوی کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت آزمون الگوی پیشنهادی از روش الگویابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزارهای SPSS-۱۸

---

\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون (نویسنده مسئول)، این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی دکترای روان‌شناسی در دانشگاه شهید چمران اهواز، می‌باشد.

a.azimpour@kazerunfu.ac.ir      aaaazimpour@gmail.com

kazem23@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

narshadi@scu.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

shehniyailagh@yaho.com

\*\*\*\* استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

beshlidehali@yahoo.com

\*\*\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

و AMOS-۱۸ انجام شد. نتایج حکایت از عدم معنی‌داری مسیرهای مستقیم همدلی به رفتار اجتماعی‌یار، همدلی به استدلال اجتماعی‌یار، دین‌داری به رفتار اجتماعی‌یار، دین‌داری به استدلال اجتماعی‌یار، و استدلال اجتماعی‌یار به رفتار اجتماعی‌یار بود. با حذف مسیرهای غیرمعنی‌دار، الگو اصلاح شد. شاخص‌های برازندگی الگویابی معادلات ساختاری، برازش مناسب الگوی اصلاح شده را نشان می‌دهند.

**کلید واژگان:** رفتار اجتماعی‌یار، استدلال اجتماعی‌یار اخلاقی، هویت اخلاقی، دین‌داری، همدلی

## مقدمه

روان‌شناسی اخلاق حوزه‌ای بین رشته‌ای است که از یک سو می‌کوشد تا به اعتباریابی برخی جنبه‌های ابطال‌پذیر نظریه‌های فلسفه‌ی اخلاق بپردازد و از سوی دیگر برخی جنبه‌های کاربردی چون پرورش اخلاقی، بررسی راههای پیشگیری از رفتارهای اجتماعی ستیز و ارتقاء رفتارهای اجتماعی‌یار را دنبال می‌کند (دوریس و استیچ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). رفتار اجتماعی‌یار یا همان رفتار اخلاقی را می‌توان به عنوان رفتاری تعریف کرد که معطوف به رفاه و آسایش دیگران است (کارلو و رندال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). رفتار اجتماعی‌یار موضوع مطالعه‌ی حوزه‌های مختلف روان‌شناسی بوده است و محققان همواره کوشیده‌اند تا بر اساس گرایش خود سهم عوامل شخصیتی یا موقعیتی، شناختی یا هیجانی را در بروز این رفتار بررسی کنند (پنر، داویدو، پیلیاوین و شرودر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). تحقیق حاضر می‌کوشد تا با ارایه‌ی الگوی، عوامل مختلف شخصیتی که در پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌های فلسفی و روان‌شناختی به عنوان پیشایندهای رفتار اجتماعی‌یار وجود داشته را با هم ترکیب کرده و به ارزیابی سهم هر یک از این عوامل بپردازد. بسیاری از روان‌شناسان به خصوص روان‌شناسان اجتماعی کوشیدند تا رفتارهای اجتماعی‌یار را مثل بسیاری از رفتارهای اجتماعی دیگر به عنوان رفتارهایی وابسته به موقعیت تلقی کنند و عواملی چون حضور مشاهده‌گران یا ابهام موقعیت را به جای عوامل دیر پای شخصیتی در تبیین رفتار اجتماعی‌یار لحاظ کنند (بارون، بیرن و برنسکامب<sup>۴</sup>، ترجمه‌ی کریمی، ۱۳۸۸). با

1- Doris & Stich

2- Carlo & Randall

3- Penner, Dovidio, Piliavin, & Schroeder

4- Baron, Byrne, & Branscombe

این همه دسته‌ای دیگر از روان‌شناسان در عین پذیرش نقش عوامل موقعیتی به حضور و تأثیر عوامل گرایشی<sup>۱</sup> و به عبارتی به ثبات نسبی رفتار اجتماع یار تأکید می‌کنند (پیلیاوین و چارنگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). جهت بررسی فرضیه ثبات گرایش‌های اجتماع یار در طول رشد ایزنبرگ، گاوری، مورفی و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) با بررسی طولی ۳۲ کودک از ۴ و ۵ سالگی تا اوایل بزرگ سالی، از طریق داده‌های ناشی از خود گزارش دهی، گزارش والدین و بررسی رفتارهای واقعی اجتماع یار موفق شدند ثبات گرایش‌های اجتماع یار در طول رشد را تأیید کنند.

با این همه ناهمسانی‌های زیادی در ارابه‌ی نقش پیشایندهای شخصیتی از سوی محققین دیده می‌شود. برخی پژوهشگران عدم توجه به انواع متفاوت رفتارهای اجتماع یار را علت این ناهمسانی می‌دانند. از این رو، از انواع متفاوت رفتارهای اجتماع یار و همبسته‌های متفاوت هر یک از این انواع سخن به میان می‌آورند (پیلیاوین و چارنگ، ۱۹۹۰). کارلو و رندال (۲۰۰۲) طی تحقیقی توانستند با استفاده از ادبیات پژوهشی و با استفاده از روش تحلیل عامل شش رفتار اجتماع یار متفاوت را معرفی کنند: رفتار اجتماع یار در معرض دید<sup>۴</sup> (کمک رسانی در حضور مشاهده‌گران)، رفتار اجتماع یار مطیعانه<sup>۵</sup> (کمک رسانی در پاسخ به درخواست کلامی یا غیرکلامی دیگران)، رفتار اجتماع یار هیجانی<sup>۶</sup> (کمک رسانی در موقعیت‌های برانگیزاننده و عاطفی)، رفتار اجتماع یار بحرانی<sup>۷</sup> (کمک رسانی در موقعیت‌های اورژانسی و مهلک)، رفتار اجتماع یار گم نام<sup>۸</sup> (کمک رسانی بدون اینکه کمک شونده بتواند کمک کننده را شناسایی کند)، و بالاخره نوع دوستی<sup>۹</sup> یا رفتار اجتماع یار نوع دوستانه (کمک رسانی بدون هیچ انگیزه‌ی سود فردی و حتی گاه واجد برخی زبان‌های شخصی). کارلو و رندال (۲۰۰۲) بر این اساس توصیه می‌کنند تا هنگام بررسی عوامل همبسته یا مؤثر بر رفتار اجتماع یار به تمایز بین انواع متفاوت رفتار اجتماع یار توجه شود.

- 
- 1- dispositional
  - 2- Charng
  - 3- Eisenberg, Guthrie, Murphy, & et al
  - 4- public prosocial behavior
  - 9- compliant prosocial behavior
  - 6- emotional prosocial behavior
  - 7- dire prosocial behavior
  - 8- anonymous prosocial behavior
  - 9- altruism

## روابط بین پیشایندها و رفتار اجتماع‌یار

استدلال اخلاقی و رفتار اجتماع‌یار: رشد یافتگی استدلال‌های اخلاقی یکی از عوامل نسبتاً باثبات اخلاقی است (کریمی، ۱۳۸۵). در واقع بارزترین رویکرد در طول تاریخچه‌ی روان‌شناسی اخلاق رویکرد رشد‌نگر شناختی روان‌شناسانی چون پیاژه و کلبِرگ است. نظریه پردازانی که متأثر از رویکرد کانت به اخلاقیات، محوریت زندگی اخلاقی انسان‌ها را در استدلال‌های اخلاقی می‌جستند (هابنر، دیوور، هاوسر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). البته بعد از کلبِرگ بر اساس بازنگری گیلیگان<sup>۲</sup> بر برخی تفاوت‌های جنسیتی به دست آمده در رشد استدلال‌های اخلاقی، سنخ استدلالی دیگری، متفاوت از رویکرد کلبِرگ ارایه شد. در این سنخ به جای مبتنی بودن استدلال‌های اخلاقی بر مقوله‌ی عدالت، رشد استدلال‌های اخلاقی بر اساس مراقبت مورد ارزیابی واقع می‌شوند (کرین<sup>۳</sup>، ترجمه‌ی خوی‌نژاد، ۱۳۸۸).

بر اساس این نگاه به استدلال‌های اخلاقی، ایزنبرگ، گوذری، مروفی و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی رشد استدلال اخلاقی بر مبنای مراقبت در کودکان دختر و پسر پرداختند. و بر اساس مشاهدات آنها، کارلو، ایزنبرگ و نایت<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) با مطالعاتی بر نوجوانان امریکایی مراحل شش‌گانه‌ای از رشدیافتگی اخلاقی را مطرح کردند. در مرحله‌ی اول استدلال فرد لذت‌گرایانه<sup>۵</sup> است؛ به تعبیری این استدلال مبتنی است بر ارزیابی سود و زیان شخصی و یا بده‌بستان مستقیم. در مرحله‌ی دوم استدلال نیاز محور<sup>۶</sup> مطرح می‌شود به این تعبیر که محوریت استدلال بر این نکته است که آیا فردی که قرار است مورد کمک واقع شود واقعاً نیازمند است. مرحله‌ی سوم استدلال تأیید محور<sup>۷</sup> است که در آن تمرکز استدلال بر کسب نظر مساعد دیگران درباره‌ی انجام یا عدم انجام فعل اخلاقی است. در مرحله‌ی چهارم فرد استدلال‌های قالبی<sup>۸</sup> را مطرح می‌کند و بالاخره مرحله پنجم که مبتنی است بر استدلال‌های انتزاعی درونی شده<sup>۹</sup> در

1- Huebner, Dwyer, & Hauser

2- Gilligan

3- Crain

4- Knight

5- Hedonistic

6- needs-oriented

7- approval- oriented

8- stereotypic

9- internalized

این مرحله استدلال‌هایی بر اساس همدردی<sup>۱</sup>، اتخاذ چشم‌انداز<sup>۲</sup> (توان دیدن مسائل از زاویه نگاه دیگران) و عاطفه‌ی درونی شده‌ی مثبت و منفی (استدلال بر این اساس که فاعل عمل اخلاقی از انجام این کار احساس خوب/ بدی پیدا می‌کند) مطرح می‌شود.

نتایج متناقضی از پژوهش‌های متعدد درباره‌ی ارتباط بین رفتار اخلاقی و استدلال‌های اخلاقی چه به شکل مراقبت محور و چه به شکل عدالت محور به دست آمده است (نانر-ویلکر، میر-نیکل، و والراب<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). مثلاً کلبی و دامون<sup>۴</sup> (۱۹۹۲، به نقل از آرنولد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰) ۲۳ تن از افرادی را که زندگی‌شان سرمشقی از تعهد بی‌پایان به انگیزه‌های اخلاقی بود را مورد مصاحبه‌ی شخصی عمیقی قرار دادند. علی‌رغم تفاوت‌های گسترده در شخصیت‌ها و شرایط اجتماعی و بصیرت اخلاقی، رشد قضاوت‌های اخلاقی آنها نسبت به افراد عادی تفاوتی نداشت.

کلبرگ (به نقل از کریمی، ۱۳۸۵) بر ناهماهنگی حکم (استدلال) و عمل (رفتار) اخلاقی اعتراف داشت و آن را ناشی از قابل رجعت بودن رشد اخلاقی به مراحل پایین‌تر می‌دانست. اما به نظر کلبرگ بین تفکر اخلاقی و رفتار اخلاقی تا حدودی رابطه وجود دارد. با این حال در پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی رابطه‌ی بین سطوح اخلاقی در نظام کلبرگ و رفتار شخص در موقعیت خاص صورت گرفته ضرایب همبستگی حاصل به طور کلی در سطح پایینی بوده است و یا در برخی تحقیقات رابطه‌ای بین رفتار اخلاقی و استدلال اخلاقی مشاهده نشده است. کلبرگ و اسنری<sup>۶</sup> (به نقل از سالین و مارکوویتس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸) از طریق بازنگری‌های پژوهشی نشان می‌دهد که هر دو تیپ استدلال اخلاقی با عمل اخلاقی مرتبط‌اند اما میزان آنها با میانجی‌ها کمتر می‌شوند. در واقع بررسی اغلب تحقیقات انجام شده درباره‌ی استدلال اخلاقی حاکی از آن است که این استدلال فقط ۱۰ تا ۲۰ درصد واریانس رفتار اخلاقی را تبیین می‌کند (مورتون، ورثی، تسترمن و مهونی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶).

- 
- 1- sympathy
  - 2- perspective tacking
  - 3- Nunner-Winkler, Meyer-Nikele, & Wohlrab
  - 4- Colby & Damon
  - 5- Arnold
  - 6- Snarey
  - 7- Saelen & Markovits
  - 8- Morton, Worthley, Testerman, & Mahoney

درباره‌ی این ابهام در ادبیات پژوهشی (ارتباط قضاوت- عمل) تبیین‌های مختلفی را می‌توان طرح کرد. برخی بر آن‌اند که شاید این ناهمسانی به علت تفاوت‌ها در فرایند اندازه‌گیری ایجاد شده باشد (گیبز، باسینگر، گریم و اسنری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). در نظر برخی از محققین اما این ناهمسانی می‌تواند به منزله‌ی رد مفهوم مرحله در رشد شناختی و ضرورت در نظر گرفتن راه جایگزینی برای نگاه به استدلال اخلاقی، مثل طرحواره‌ها نسخه خام یا محصولات شناختی که در دیگر حوزه‌های روان‌شناسی استفاده شده و دیگر محققین از آنها در الگوی خود کمک می‌گیرند باشد (آرنولد، ۲۰۰۰). اما برخی بر آنند که لازم است تا در کنار استدلال اخلاقی متغیرهای دیگری را نیز برای پیش‌بینی رفتار اجتماع یار - اخلاقی - به کار بست (هاردی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶ و سالین و مارکویتس، ۲۰۰۸).

هویت اخلاقی و رفتار اجتماع یار: در کنار نگاه رشدی شناختی و محوریت قایل شدن به استدلال‌های اخلاقی رویکرد شناختی - اجتماعی می‌کوشد تا در ضمن بررسی عوامل موقعیتی تأثیرگذار و عوامل شناختی چون معافیت طلبی اخلاقی<sup>۳</sup> و توجیه اخلاقی<sup>۴</sup> به بررسی نقش عقاید و باورهای اخلاقی فرد در قالب مفهوم هویت اخلاقی بپردازد (اکوینی، رید، تائو و فریمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). تحقیقات جدید پیشنهاد می‌کنند که فراتر از استدلال‌های اخلاقی، دیگر ویژگی‌های فرد بویژه روشی که ارزش‌ها و عقاید اخلاقی فرد با حس خویشتن یا هویت او ترکیب می‌شوند عامل اساسی در پیش‌بینی رفتار اخلاقی است (آرنولد، ۲۰۰۰). والکر<sup>۶</sup> و همکاران ۱۹۹۵، و والکر و پیتز<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸ (به نقل از آرنولد، ۲۰۰۰) نشان دادند که نوجوانانی با حس قوی خویشتن اخلاقی، بیشتر احتمال داشت توسط معلم‌شان به عنوان سرمشق اخلاقی طبقه‌بندی شوند حال آنکه همین سرمشق‌های اخلاقی کوچک با دیگر هم کلاسی‌هایشان در رشد قضاوت‌های اخلاقی تفاوتی نداشتند.

در کل بنظر می‌رسد که هنجارهای اخلاقی فردی برای احساس مسئولیت جهت انجام یا

- 
- 1- Gibbs, Basinger, Grime, & Snarey
  - 2- Hardy
  - 3- moral disengagement
  - 4- moral justification
  - 5- Aquino, Reed, Thau & Freeman
  - 6- Walker
  - 7- Pitts

اجتناب از انجام عمل اخلاقی حایز اهمیت است. این خویشتن اخلاقی امروزه در قالب اصطلاح هویت اخلاقی مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته شده است. پیشنهاد شده که هویت اخلاقی یکی از مؤلفه‌های خود طرحواره‌های اجتماعی<sup>۱</sup> فرد است (اکوینی و رید، ۲۰۰۲).

دین‌داری و رفتار اجتماع یار: یکی از رویکردهای موجود در فلسفه‌ی اخلاق رویکرد فراطبیعت‌گرایی<sup>۲</sup> است که سرچشمه‌ی اخلاقیات را به یکسر در مذهب و باورهای دینی می‌جوید (هولمز<sup>۳</sup>، ترجمه‌ی علیا، ۱۳۸۵). ادیان الهی همواره سرشار از توصیه‌های مؤکد در باب رفتارهای اخلاقی و کمک به هم‌نوعان و همسایگان بوده‌اند (هاردی و کارلو، ۲۰۰۵). البته نتایج پژوهش‌ها درباره‌ی ارتباط و یا تأثیر دینداری و رفتار اجتماع یار ناهمسان متناقض بوده‌اند. برخی تحقیقات توانسته‌اند نقش دین‌داری در رفتارهای اجتماع یار و اخلاقی را نشان دهند در عین حال تحقیقاتی هم بوده‌اند که رابطه‌ی مثبت اندک، ارتباط فقط در برخی موقعیت‌ها، عدم ارتباط و حتی رابطه‌ی منفی بین دینداری و رفتار اجتماع یار را نشان داده‌اند (فارو و کینگ و وایت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). این ابهام پژوهشی را برخی به در نظر نگرفتن انواع جهت‌گیری‌های دینی یا معنوی مثل جهت‌گیری دینی درونی<sup>۵</sup>، بیرونی<sup>۶</sup>، طلب<sup>۷</sup>، سخت‌کیشی آیینی<sup>۸</sup> و انواع دینداری افقی<sup>۹</sup> و عمودی<sup>۱۰</sup> نسبت می‌دهند (جی، پندگرافت و پری<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶). برخی به همگن بودن و کم بودن واریانس افراد مورد بررسی - مثلاً بررسی همبستگی‌ها فقط بر روی دانشجویان مذهبی - و در نتیجه همبستگی‌های پایین یا بی معنا اشاره دارند (ولف<sup>۱۲</sup>، ترجمه‌ی دهقانی، ۱۳۸۶). برخی اما به لزوم توجه به گوناگونی و انواع رفتارهای اجتماع یار نسبت می‌دهند (هاردی و کارلو، ۲۰۰۵). همچنین توجه به این مسأله لازم است که اکثر

- 
- 1- social self-schema
  - 2- supernaturalism
  - 3- Holmse
  - 4- Furrow, King& White
  - 5- intrinsic
  - 6- extrinsic
  - 7- quest
  - 8- doctrinal orthodoxy
  - 9- horizontal
  - 10- vertical
  - 11- Ji, Pendergraft, & Perry
  - 12- wolf

تحقیقات انجام شده در این باب بر افراد غیر مسلمان گرفته شده بر این اساس و بر مبنای انجام تحقیق حاضر بر کلیه‌ی دانشجویان (اعم از مذهبی و غیرمذهبی) پیش‌بینی می‌شود که رابطه‌ای مثبت بین دین‌داری و رفتارهای اجتماع‌یار دیده شود.

همدلی و رفتار اجتماع‌یار: یکی دیگر از نقاط تمرکزی که برخی فلاسفه و روان‌شناسان برای تبیین رفتار اخلاقی برگزیده‌اند عواطف و حالات هیجانی فرد است. رویکرد عاطفه‌گرایی در فلسفه‌ی اخلاق معتقد به عاطفی بودن ماهیت گزاره‌های اخلاقی است (هولمز، ترجمه‌ی علیا، ۱۳۸۵). دیوید هیوم با تحلیل منطقی گزاره‌های اخلاقی ثابت کرد که با توجه به ماهیت دستوری گزاره‌های اخلاقی به لحاظ منطقی گزاره‌های اخلاقی نمی‌توانند فقط از گزاره‌های اخباری (دانسته‌ها و معلومات انسان) نشأت گرفته باشند. وی داوری‌های اخلاقی را از جنس عواطف می‌دانست و نه استدلال‌ات عقلانی (سروش، ۱۳۷۹). در روان‌شناسی کوشش‌های فراوانی جهت کشف عواطف یا هیجانات اخلاقی و بررسی تأثیر حالات هیجانی بر رفتار اخلاقی صورت گرفته. برخی رابطه‌ی خلق بالا یا پایین و رفتار اجتماع‌یار را بررسی کردند (مثلاً، هاریس و اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۹۷۵). برخی اما هیجانات خاص را در اتصال با رفتار اخلاقی بررسی کرده‌اند هیجانات گوناگونی چون احساس گناه، احساس عفو، احساس فروتنی، احساس قدرشناسی، غرور، اعتماد عشق، احساس والا مقامی<sup>۲</sup> همدلی، شفقت یا همدردی (لفل و میخائیل، مالری<sup>۳</sup> و میخائیل، ۲۰۰۸)، اضطراب اجتماعی (وورا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷) و حتی هیجان‌اتی چون شرم و خشم و یا انزجار بعد از ملاحظه‌ی رفتار غیر اخلاقی از سوی خود یا دیگران (هابنر و همکاران، ۲۰۰۸).

لفل و همکاران (۲۰۰۸) در بررسی خود از ادبیات پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بهتر است به جای در نظر گرفتن اصطلاح هیجان اخلاقی از اصطلاح ظرفیت عاطفی اخلاقی<sup>۵</sup> به مثابه‌ی اصطلاحی توصیف‌کننده‌تر و قابل فهم‌تر استفاده شود. برای بسیاری از پژوهشگران این هیجان یکپارچه ساز اخلاقی همدلی است (هاردی، ۲۰۰۶). همدلی را به عنوان تمایل به تجربه‌ی نیابتی وضعیت هیجانی دیگر افراد نیز تعریف کرده‌اند (آلبریو، ماتریکاردی، اسپلتری،

- 
- 1- Harris & Smith
  - 2- elevation
  - 3- Leffel, Michael, & Malerie
  - 4- Wowra
  - 5- moral affective capacity (MAC)



توسو<sup>۱</sup>، (۲۰۰۹). باتسون<sup>۲</sup> (به نقل از پیلیاوین و چارنگ، ۱۹۹۰) در نظریه‌ی خود موسوم به همدلی - نوع دوستی<sup>۳</sup> یا به تعبیر برخی از محققین همدردی - نوع دوستی<sup>۴</sup> بر آن بود که نوع دوستی واقعی در انسان‌ها وجود دارد و اگر انسان‌ها در معرض همدلی قرار بگیرند، کمک‌رسانی را نه با انگیزه‌های خود خواهانه که کاملاً با نیت نوع دوستانه انجام می‌دهند. تحقیقات بعدی اما بر آن رفتند که همدلی به عنوان احساس نیابتی هیجانانگیز دیگران اگر باعث بیش‌برانگیختگی شود موجب پریشانی شخصی<sup>۵</sup> شده و فرد بیشتر مصر می‌شود تا از موقعیت کمک‌رسانی دور شود ولی اگر توسط مکانیزم‌هایی این احساس تعدیل شود باعث همدردی و انجام کمک‌رسانی می‌شود (ایزنبرگ و اوکان، ۱۹۹۶). برخی تحقیقات معطوف به رابطه‌ی برخی خصایص با رفتار اجتماع یار کشف کردند که تفاوت‌های گرایشی در تمایلات همدلانه خود را به شکل تفاوت در رفتار اجتماع یار نشان می‌دهد (پنر و همکاران، ۲۰۰۵). فراتحلیل‌ها در کل نشانگر رابطه‌ی همدلی و اجتماع یاری در کودکان، نوجوانان، و بزرگسالان است (کارلو، ۲۰۰۵؛ ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ ایزنبرگ و میلر، ۱۹۸۷؛ به نقل از هاردی، ۲۰۰۶).

### روابط بین پیشایندها

هویت اخلاقی و استدلال اخلاقی: در بررسی ادبیات پژوهشی تحقیقی که دقیقاً رابطه‌ی هویت و استدلال اخلاقی را بسنجد یافته نشد اما برخی تحقیقات به تلویح از رابطه‌ی شناخت‌های اخلاقی و هویت اخلاقی می‌گویند. اکوینی و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به بررسی این پرداختند که معافیت طلبی اخلاقی و هویت اخلاقی چه سان قضاوت نسبت به جنگ را پیش‌بینی می‌کنند. طبق پیش‌بینی ارتباط مثبتی بین معافیت طلبی اخلاقی و در نظر گرفتن تنبیه شدید برای عاملین حملات ۱۱ سپتامبر وجود داشت. اما این اثر برای افرادی که هویت اخلاقی‌شان بیشتر بود کمتر می‌شد. آنها همچنین نشان دادند که معافیت طلبی اخلاقی میزان هیجان منفی که آزمودنی‌ها در برابر سوء رفتار سربازان امریکایی در برابر بازداشت

1- Albiero, Matricardi, Speltri, & Toso

2- Batson

3- empathy - altruism

4- sympathy - altruism

5- Personal distress

6- Okun

شدگان عراقی تجربه می‌کردند را به طور مؤثری کاهش می‌داد. جالب اینکه تأثیر معافیت طلبی اخلاقی وقتی که هویت اخلاقی آزمودنی‌ها با مداخله‌ای تحریک شد خنثی شد. مؤلفین از این یافته‌ها به این نتیجه رسیدند که با تقویت هویت اخلاقی فرد جنبه‌های آشکار شناختی می‌توانند به لحاظ هیجانی دوباره با خویشتن متصل شوند.

استدلال اخلاقی و دین‌داری: درباره‌ی رابطه‌ی استدلال اخلاقی و دین‌داری بسته به نوع دینداری نتایج متفاوتی ارائه شده است. جی (۲۰۰۴) در پژوهشی بر روی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پروتستان در کالیفرنیا نشان داد که مقطع تحصیلی می‌تواند روابط بین انواع دینداری و استدلال اخلاقی را تأیید کند. در دانشجویان لیسانس دینداری در پیش‌بینی استدلال اخلاقی واجد اهمیت است. در این مقطع جهت‌گیری درونی و طلب احتمال درگیری افراد در استدلال اخلاقی قاعده‌مند را می‌افزاید. حال آنکه سخت‌کیشی آیینی بطور معکوس با استدلال اخلاقی رابطه داشت. اما چنین روابطی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی مشاهده نشد. جی، ابراهیم<sup>۱</sup> و دانگ کیم<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های دو تحقیق زمینه‌یابی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ در دو دانشگاه در جاکارتا بر دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی مسلمان و اندونزیایی، نشان دادند که افرادی با دینداری درون‌زا محتمل‌تر است تا قاعده‌مندتر به معماهای اخلاقی پاسخ دهند. حال آنکه دین‌داری بیرونی پاسخ‌های قراردادی در استدلال اخلاقی را می‌افزاید. در تحقیق فوق دین‌ورزی جستجوگر و سخت‌کیشی آیینی با استدلال قاعده‌مند کلبرگ بی‌ارتباط بود.

همدلی و استدلال اخلاقی: برخی نظریه‌پردازان چون هافمن<sup>۳</sup> بر آن است که همدلی (همدردی) آمیخته است با اصول اخلاقی و از این رو پایه ایست برای ملاحظه‌ی دیگران و ملاحظه‌ی عدالت. تحقیقات زیادی در باب ارتباط بین پاسخ‌های مرتبط به همدلی و استدلال اخلاقی مبتنی بر عدالت انجام نگرفته. البته داده‌های کار بر روی استدلال اخلاقی مبتنی بر مراقبت با این نظر همسان است که همدلی در استدلال افراد نقش ایفا می‌کند. به طور کلی گزارش نوجوانان و بزرگسالان از همدردی‌شان ارتباطی مثبت را با قضاوت اخلاقی‌شان در

---

1- Ibrahim  
2- Dong Kim  
3- Hoffman

باب معماهای اخلاقی اجتماع یار نشان می‌دهد. (ایزنبرگ و موریس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

دین‌داری و هویت اخلاقی: هارت و فگلی<sup>۲</sup> (۱۹۹۵)، به نقل از فارو و همکاران، (۲۰۰۴) مشاهداتی را انجام دادند که در آن از نقش مثبت دینداری در زندگی جوانانی می‌گفت که به خاطر تعهدات قابل ملاحظه‌شان در مراقبت و کمک‌رسانی متمایز شده بودند. مهمترین یافته‌ی تحقیق آنها رابطه‌ی یگانه بین دین‌داری هویت و تعهدات اخلاقی است. برای بسیاری از آزمودنی‌های تحقیق فوق رفتارها نگرش‌ها و ارزش‌های کمک‌رسانی مستقل از معنویت‌شان نبود و در عوض تمام جنبه‌های اخلاقیات‌شان توسط باورها و تجربه‌های مذهبی‌شان دستور می‌گرفت. هاردی و کارلو (۲۰۰۵) در تحقیقی نشان دادند که ارزش‌های اخلاقی تا حدودی رابطه‌ی دین‌داری و رفتار اجتماع‌یار را میانجی‌گری می‌کرد. به طوری که رابطه‌ی رفتار اجتماع یار نوع دوستانه و مطیعانه با دین‌داری به طور کامل توسط ارزشی اخلاقی (مهرورزی<sup>۳</sup>) میانجی‌گری می‌شد. اما رفتار اجتماع یار گم نام با دین‌داری هم دارای رابطه‌ی مستقیم و هم غیر مستقیم از طریق ارزش اخلاقی یاد شده بود. برخی محققین بر آن‌اند که مذهب، در زندگی افرادی که هویت اخلاقی نمایانی دارند خود را به عنوان یک سازه‌ی یکپارچه ساز نشان می‌دهد که یکپارچه سازی اهداف شخصی و ملاحظات اخلاقی را تحریک می‌کند. محققین پیشنهاد می‌کنند که ارتباط پیچیده‌تری بین دو سازه‌ی هویت اخلاقی و هویت مذهبی وجود دارد. بر اساس این نظر مفهوم فرد اخلاقی و فرد مذهبی تا حدی با هم هم پوشی دارند اما هم معنی نیستند (اکوینی و رید، ۲۰۰۲).

همدلی و هویت اخلاقی: در مورد رابطه‌ی بین همدلی و هویت اخلاقی نیز اکوینی و همکاران (۲۰۰۷) از تحقیق خود نتیجه گرفتند که هویت اخلاقی می‌تواند رابطه‌ی هیجانانگیز (مثل همدلی) و رفتارهای اخلاقی را میانجی‌گری کند. هافمن<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) به نقل از ایزنبرگ و موریس (۲۰۰۱) پیشنهاد کرد که همدلی (به همان اندازه‌ی عملیات ذهنی) در رشد اصول اخلاقی مشارکت دارد. همسان با همین مفهوم باتسون (۱۹۹۵) به نقل از ایزنبرگ و موریس، (۲۰۰۱) کشف کرد که القای همدردی با دیگر افراد، ارزش فائل شدن برای آسایش آن اشخاص

---

1- Morris

2- Hart & Fegly

3- Kindness

4- Hoffman

را بالا می‌برد و این ارزش قائل شدن بعد از این که همدردی فرو نشیند نیز تداوم می‌یابد. به نظر می‌رسد معقول است که فرض شود کودکانی که مستعد همدلی و همدردی‌اند برای القای اصول اخلاقی که در اجتماعی سازی<sup>۱</sup> اخلاقی بسیار حائز اهمیت است پاسخ‌ده‌تر خواهند بود تا آنهایی که چنین نیستند (ایزنبرگ و موریس، ۲۰۰۱).

همدلی و دین‌داری: در جستجوی رابطه‌ی دین‌داری و همدلی در ادبیات پژوهشی تحقیقات زیادی یافته نشد. بر اساس پژوهش واتسون، رالف، رونالد<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) بر روی ۱۸۰ دانشجوی کارشناسی دانشگاه تنسی دین‌داری درونی بطور مثبت با همدلی نوع دوستانه<sup>۳</sup> در ارتباط است ولی دین‌داری بیرونی رابطه‌ای منفی را با همدلی نشان می‌دهد. در مطالعه‌ی هزار و سی صد بزرگسال ساکن ایالات متحده اسمیت (۲۰۰۳)، به نقل از جی، پندگراف و پری<sup>۴</sup>، (۲۰۰۶) کشف کرد که مسیحیان بنیادگرا در مقیاس همدلی نمره‌ی بالاتری کسب کردند تا مسیحیان معتدل یا لیبرال. همچنین آنهایی که به طور پیاپی در کلیسا حضور داشتند نسبت به آنهایی که کمتر به کلیسا می‌روند واجد همدلی بیشتری بوده اما ارزش‌های نوع دوستانه‌ی کمتری داشتند.

### تقدم و تاخر و پیشایندهای الگو

هر چند تحقیقات زیادی توانسته‌اند تأثیر عواملی چون رشد استدلال‌های اخلاقی، هویت اخلاقی و دین‌داری بر رفتارهای اجتماع یار را نشان دهند؛ اما باید توجه داشت که تحقیقاتی نیز توانسته‌اند وجود گرایش‌های اجتماع یار در سنین پایین‌تر را ثابت کنند. سنینی پیش از آنکه استدلال‌های اخلاقی رشد یافته، هویت اخلاقی و حتی دین‌داری در ذهن کودک نقش بسته باشد (پیلیاوین و چارنگ، ۱۹۹۰) زیر بنایی‌تر بودن همدلی با توجه به استحکام منطقی استدلال هیوم در فلسفه‌ی اخلاق، (سروش، ۱۳۷۹) و همچنین وجود همدلی در سنین پایین‌تر (پیلیاوین و چارنگ، ۱۹۹۰) و به علاوه شواهد مربوط به زیربنای زیستی و فیزیولوژیک همدلی (ایزنبرگ و اوکان، ۱۹۹۶) باعث شد تا در الگوی پیشنهادی تحقیق حاضر همدلی به

- 
- 1- socialization
  - 2- Watson, Ralph, Hood & Morris
  - 3- altruistic empathy
  - 4- JI, Pendergraft & Perry

عنوان متغیر مستقل الگو ارایه شود.

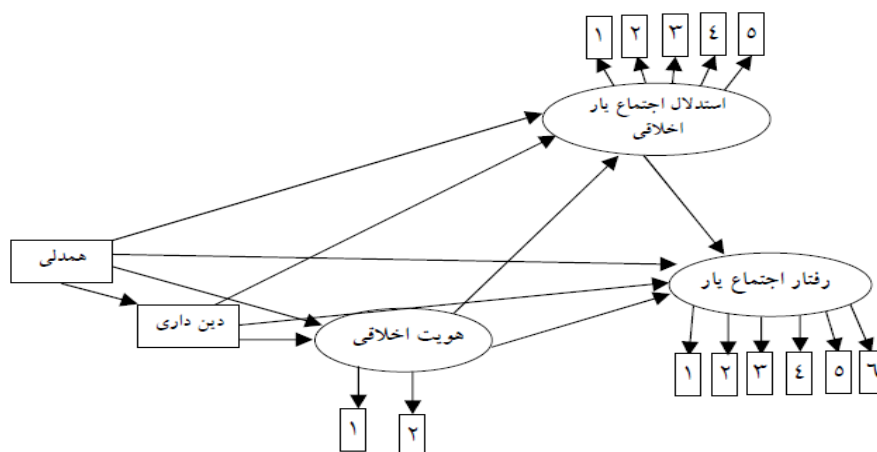
بسیاری از طرفداران رویکرد فراطبیعت‌گرایی بر آن‌اند که ارزش‌های اخلاقی فرد منبعث از ارزش‌های مذهبی اوست. حتی اگر فرد امروز مذهبی نباشد اخلاقی بودن او را می‌توان در تربیت مذهبی گذشته‌ی وی جستجو کرد (گنسلر<sup>۱</sup>، ترجمه‌ی بحرینی، ۱۳۸۷). چه این ادعا به تمامی پذیرفته شود و چه نه، طبیعی به نظر می‌رسد که به لحاظ تربیتی و رشدی، دینداری و هویت مذهبی فرد زودتر از هویت کامل اخلاقی وی ایجاد شود. هر چند این تقدم و تأخر در تحولات بعدی معنوی و فکری افراد شاید همیشه یکسویه نباشد. ارتباط قوی دین‌داری و شخصیت اجتماع یار این فرض را دلالت می‌کند که اخلاقیات در سنین نوجوانی در مذهبی بودن جای دارد والکر و همکاران (۱۹۹۵)، به نقل از فارو و همکاران، (۲۰۰۴). در مطالعه‌ی خود نشان داد که افراد اخلاقی معمولاً با نگرش‌های مذهبی و معنوی‌شان متمایز می‌شود. آنها در مصاحبه‌های‌شان که معطوف به زندگی اخلاقی واقعی بود کشف کردند که اخلاقیات و معنویت حوزه‌هایی مستقل از هم نیست و آنچه به اخلاقیات متصل است با افکار و تجارب مذهبی تایین می‌شود.

کلبرگ معتقد بود که افراد اندکی به مراحل بالاتر رشد اخلاقی می‌رسند (کریمی، ۱۳۸۵) این در حالی است که هویت‌جویی طبق نگاه اریکسون مربوط به سنین نوجوانی است و معمولاً با پایان این سنین این هویت تکمیل می‌شود (کرین، ۱۳۸۸، ترجمه‌ی خوی‌نژاد). با توجه به این مسأله به نظر می‌رسد که هویت اخلاقی بر استدلال‌های سطح بالای اخلاقی تقدم داشته باشد. با توجه به تقدم و تأخر ذکر شده الگوی زیر (نمودار شماره ۱) از پیشایندهای رفتار اجتماع یار طراحی شده است. فرضیه‌های تحقیق حاضر بر اساس الگوی پیشنهادی (نمودار ۱) عبارت است از معنی‌داری کلیه‌ی مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم الگوی حاضر<sup>۲</sup>.

متغیرهای نشانگر ۱ تا ۶ متصل به متغیر نهان رفتار اجتماع یار عبارت‌اند از انواع پنج‌گانه‌ی رفتار اجتماع یار (در معرض دید، مطیعانه، عاطفی، بحرانی، گم نام و نوع دوستانه) و متغیرهای نشانگر ۱ تا ۵ متصل به متغیر نهان استدلال اجتماع یار اخلاقی عبارت‌اند از انواع پنج‌گانه‌ی

#### 1- Gensler

۱- با توجه به طولانی شدن مقاله و مشخص بودن این فرضیه‌ها از الگوی حاضر ضرورتی به نوشتن تک تک آنها دیده نشد.



نمودار ۱. الگوی پیشنهادی پیشایندهای مهم رفتار اجتماع یار

استدلال اجتماع یار اخلاقی (لذت‌جویانه، نیاز محور، تأیید محور، قالبی و درونی شده) و متغیرهای نشانگر ۱ و ۲ متصل به متغیر نهان هویت اخلاقی دو زیر مؤلفه‌ی نمادین سازی و درونی‌سازی هویت اخلاقی است.

## روش تحقیق

### جامعه و نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز بود. جهت آزمون‌گیری نمونه‌ای به حجم ۵۰۰ نفر در نظر گرفته شد. به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۵ دانشکده‌ی مهندسی، الهیات، تربیت بدنی، اقتصاد و ریاضی انتخاب شدند. به نسبت تعداد دانشجویان هر دانشکده در مجموع ۲۳ کلاس مورد آزمون قرار گرفت. البته دو برابر این تعداد کلاس لیست شد تا در صورت عدم همکاری اساتید جهت در اختیار گذاشتن قسمتی از وقت کلاسشان بتوان از کلاس‌های دیگر استفاده کرد.

به منظور ایجاد انگیزه جهت پاسخدهی با دقت، به آزمودنی‌ها رمزی داده شد تا در صورت تمایل بتوانند از طریق یک وبلاگ بعد از اتمام آزمون‌گیری از محتوای پرسشنامه‌ها مطلع شده و بتوانند نمره‌ی خود در هر مقیاس را با میانگین سایر دانشجویان مقایسه کنند. آزمون‌گیری

معمولاً با کسب اجازه از اساتید در نیم ساعت آخر کلاس‌ها انجام می‌شد و بطور متوسط ۴۵ دقیقه طول می‌کشید.

### ابزارهای پژوهش

**الف) مقیاس گرایش‌های اجتماع یار<sup>۱</sup> (PTM):** این مقیاس شامل ۲۳ گویه است که شش نوع رفتار اجتماع یار در معرض دید، مطیعانه، عاطفی، بحرانی، گم نام و نوع دوستانه را می‌سنجد. پاسخ دهی به صورت فاصله‌ای لیکرت از یک (به هیچ وجه مرا توصیف نمی‌کند) تا پنج (خیلی زیاد مرا توصیف می‌کند) گسترده شده است. این مقیاس نخستین بار توسط کارلو و رندال (۲۰۰۲) بر روی دانشجویان و سپس نسخه‌ی بازنگری شده‌ی آن (PTM-R) آن توسط کارلو، هاوسمن<sup>۲</sup>، کریستینسن<sup>۳</sup> و رندال (۲۰۰۳) بر روی نوجوانان اعتباریابی شد. ساخت این مقیاس از طریق، مطالعه‌ی ادبیات پژوهشی و مقیاس‌های گذشته، تحلیل عامل اکتشافی و سپس تاییدی، و بررسی پایایی از طریق باز آزمایی و همسانی درونی، بررسی روایی ملاکی، بررسی روایی واگرا و همگرا توسط کارلو و رندال (۲۰۰۲) صورت گرفته که نتایجی حاکی از رضایت بخش بودن مقیاس برای دانشجویان امریکایی حاصل شده است. پایایی بازآزمایی در مطالعه‌ی کارلو و رندال (۲۰۰۲) بعد از دو هفته برای ملاک‌های در معرض دید، گمنام، بحرانی، هیجانی، مطیعانه، و نوع دوستی به ترتیب عبارت بود از: ۰/۷۲، ۰/۷۵، ۰/۶۱، ۰/۷۲، ۰/۸۰، ۰/۷۳، ۰/۶۰.

این مقیاس توسط عظیم‌پور، نیسی، شهنی بیلاق و ارشدی<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) به زبان فارسی ترجمه و بر روی ۱۸۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز اعتبار یابی شد. نتایج تحلیل عامل تاییدی در تحقیق عظیم‌پور و همکاران (۲۰۱۲) اعتبار این مقیاس را بر دانشجویان شهید چمران تایید کرد. پایایی این مقیاس نیز در تحقیق فوق بر اساس روش همسانی درونی برای برای زیر مقیاس‌های در معرض دید، گمنام، بحرانی، هیجانی، مطیعانه، و نوع دوستی به ترتیب عبارت بود از: ۰/۷۲، ۰/۸۶، ۰/۷۰، ۰/۶۹، ۰/۷۷، ۰/۵۹.

1- Prosocial Tendencies Measure (PTM)

2- Hausmann

3- Christiansen

4- Azimpuor, Neasi, Shehni- Yailagh, Arshadi

### ب) نسخه‌ی بزرگ سالان مقیاس عینی استدلال اخلاقی اجتماع یار (PROM-R):

این مقیاس که توسط کارلو و همکاران (۱۹۹۲) در ابتدا برای نوجوانان و سپس با تغییراتی برای بزرگ سالان ساخته شده، شامل ۷ داستان اصلی و یک داستان نمونه است. هر داستان اصلی واجد تعارضی اخلاقی بوده و دارای چند دلیل (استدلال) است که می‌تواند قهرمان داستان را در حل تعارض یاری دهد. تعیین درجه اهمیت استدلال‌ها از سوی آزمودنی‌ها رشد یافتگی استدلال‌های اخلاقی آنها را مشخص می‌کند. در نسخه‌ی بزرگ سالان ۹ دلیل در هر داستان برای تصمیم‌گیری به جای قهرمان داستان لیست شده که آزمودنی اهمیت هر یک از این دلایل را در مقیاسی از هیچ (۱) تا خیلی زیاد (۷) علامت‌گذاری می‌کند. این مقیاس پنج گونه استدلال اجتماع یار لذت جویانه، تأیید محور، قالبی، نیاز محور، و درونی شده را می‌سنجد. همچنین این آزمون دارای مقیاس دروغ/ نامربوطی هم هست که از طریق آن می‌توان آزمودنی‌هایی که بی‌دقت یا به دروغ آزمون را کامل کرده‌اند را مشخص کرد. لازم است نمره‌ی هر نوع استدلال به صورت نسبتی از آن استدلال به سایر استدلال‌ها نمره‌گذاری شود. به علاوه با دادن ضریب به نسبت استدلال‌های فوق می‌توان کلیت رشد استدلال‌های اجتماع یار اخلاقی فرد را نیز در قالب عددی واحد مشخص کرد. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس توسط کارلو و همکاران (۱۹۹۲) از طریق بررسی روایی همگرا و واگرا، باز آزمایی و بررسی همسانی درونی نشان از رضایت بخش بودن ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس بر روی دانشجویان امریکایی داشت. نمره‌ی باز آزمایی و آلفای کرونباخ هر یک از زیر مقیاس‌های این آزمون به ترتیب عبارت‌اند از: لذت جویانه ۰/۷۰ و ۰/۷۲، تأیید محور ۰/۷۰ و ۰/۷۸، قالبی ۰/۷۲ و ۰/۶۷، نیاز محور ۰/۷۹ و ۰/۵۶ و درونی شده ۰/۷۹ و ۰/۷۰. البته کارلو، مک‌گینلی، روزچ و کامینسکی<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در بررسی خود به روی نوجوانان مکزیکی و امریکایی نشان دادند که الگویی ۴ عاملی در تحلیل عامل تاییدی کمی برازنده‌تر از الگوی ۵ عاملی است که توسط کارلو و همکاران (۱۹۹۲) مطرح شده است؛ به عبارتی ترکیب استدلال درونی شده و قالبی برازنده‌تر است.

این مقیاس بوسیله‌ی عظیم‌پور، نیسی، شهنی ییلاق و ارشدی و بشلیده<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) به فارسی

1- McGinley, Roesch, & Kaminski

2- Beshlide



ترجمه شده و بر روی ۱۸۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز مورد اعتبار یابی واقع شد. در تحقیق عظیم‌پور و همکاران (۲۰۱۲) تحلیل عامل تاییدی نشان داد که الگوی ۵ عاملی برازندگی بهتری نسبت به سایر الگوها دارد. همچنین در تحقیق یاد شده پایایی (به روش همسانی درونی) ملاک دروغ/ نامربوط و زیر مقیاس‌های لذت جویانه، تایید محور، قالبی، نیاز محور و درونی شده، به ترتیب عبارت بود از: ۰/۷۹، ۰/۸۲، ۰/۹۲، ۰/۶۶، ۰/۶۴، ۰/۶۶.

**ج) مقیاس خود اهمیت دهی هویت اخلاقی:** این پرسشنامه مقیاسی خود گزارش دهی است که بوسیله‌ی اکویینی و رید (۲۰۰۲) ساخته و اعتبار یابی شده و دارای دو زیر مقیاس درونی سازی<sup>۱</sup> (میزانی که صفات اخلاقی در خود پنداره‌ی فرد مرکزیت یافته) و نمادی سازی<sup>۲</sup> (میزانی که هر آزمودنی برحسب ظاهر هویت اجتماعی مبتنی بر صفات اخلاقی را نشان می‌دهد) است. در ابتدا از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا به صفات اخلاقی که در بالای پرسشنامه نوشته شده توجه کنند. صفاتی چون مهربان، عادل، زحمت کش و... پس از آن ۱۰ سؤال درباره‌ی این صفات از آزمودنی‌ها پرسیده می‌شود تا میزانی که داشتن این صفات برای فرد مهم است تعیین شود. پاسخدهی در مقیاسی از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) هر یک از ده سؤال گسترده شده است.

اکویینی و رید (۲۰۰۲) برای ساختن این آزمون به پاسخ‌گران لیستی از ۹ صفت منشی (مثلاً پرستار بودن<sup>۳</sup>) دادند و از آنها خواستند تا فردی را که دارای این صفات است را مجسم کنند. در مجموع ۳۷۶ صفت غیر همپوش بیرون آمد و پس از تحلیل محتوا و پیدا کردن صفات هم معنی ۱۹ صفت متمایز پیدا شد. از آنها هم فقط صفاتی که حداقل ۳۰ درصد پاسخ‌گران بدان پاسخ داده بودند، یعنی ۹ صفت باقی ماند. همچنین در باب پرسش‌ها بعد از تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی دو عامل نمادی سازی و درونی سازی در هویت اخلاقی کسب شد. ضمن بررسی رابطه‌ی این دو بعد با سازه‌های همگن و سازه‌های متمایز نتایج روایی همگرا و واگرایی این دو سازه رضایت بخش بود. به علاوه همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ این دو بعد درونی سازی و نمادی سازی به ترتیب عبارت است از ۰/۷۷ و ۰/۷۶.

---

1- internalization  
2- symbolization  
3- Caring

این مقیاس نیز بوسیله‌ی عظیم‌پور، نیسی، شهنی ییلاق و ارشدی و بشلیده (در دست انتشار b) به فارسی ترجمه شده و بر روی ۱۸۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز مورد اعتبار یابی واقع شد. در تحقیق عظیم‌پور و همکاران (در دست انتشار b) تحلیل عامل تاییدی الگوی اندازه‌گیری این مقیاس را تأیید کرد. همچنین در تحقیق یاد شده پایایی (به روش همسانی درونی)، دو زیر مقیاس نمادی سازی و درون سازی هویت اهلاقی به ترتیب عبارت بود از: ۰/۷۸ و ۰/۷۹.

**د) مقیاس سنجش دینداری:** این مقیاس توسط آرین (۱۳۷۷) بر اساس اسلام شیعی و بر روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی ساخته شده است. پاسخ دهی در مقیاسی هفت تایی از ۱ (به هیچ وجه) تا ۵ (خیلی زیاد) گسترده شده. همسانی درونی این مقیاس در مطالعه‌ی آرین ۰/۹۹ بود. در تحقیق شهنی، شکرکن و موحد (۱۳۸۳) بر روی دانشجویان شهید چمران ضریت آلفای ۰/۸۹ و اعتبار ملاکی آن با مقیاسی دیگر برابر با ۰/۵۶ ( $p < ۰/۰۱$ ) بود.

**ه) مقیاس همدلی تورنتو:** پرسشنامه‌ی فوق فوق ۱۶ ماده است که همدلی عمومی را می‌سنجد در مقیاس پاسخدهی از صفر (به ندرت) تا چهار (همیشه) گسترش یافته است. این مقیاس توسط اسپرنگ، مک کینن، مار و لوین<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) جهت اندازه‌گیری همدلی عمومی (به جای انواع همدلی)، ساخته شد. سازندگان ۱۴۵ گویه را بر اساس مقیاس‌های گذشته و ادبیات پژوهشی جمع‌آوری کردند. این ۱۴۵ گویه پس از اجرا بر روی ۲۰۰ دانشجوی دانشگاه تورنتو و استفاده از تحلیل عامل اصلی-محور تکرار شده<sup>۲</sup> به ۱۶ ماده کاهش یافت و با بررسی روایی همگرا و واگرای آن بر روی ۷۶ دانشجو اعتبار این مقیاس تأیید شد. همسانی درونی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بود همچنین باز آزمایی این مقیاس بر روی ۵۶ دانشجوی دانشگاه تورنتو در دو هفته ۰/۸۱ ( $p < ۰/۰۱$ ) بود.

این مقیاس نیز بوسیله‌ی عظیم‌پور، نیسی، شهنی ییلاق و ارشدی و بشلیده (در دست انتشار c) به فارسی ترجمه شده و بر روی ۱۸۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز مورد اعتباریابی واقع شد. در تحقیق عظیم‌پور و همکاران (در دست انتشار c) اعتبار ملاکی این مقیاس از طریق رابطه‌ی معنی‌دار با زیر مقیاس همدلی هوش هیجانی بار-آن تأیید شد.

1- Sprengr, McKinnon, Mar, & Levine

2- iterated principal-axis factor analysis (EFA)

همچنین در تحقیق یاد شده پایایی (به روش همسانی درونی)، دو زیر مقیاس نمادی سازی و درون سازی هویت اهلاقی به ترتیب عبارت بود از: ۰/۷۸ و ۰/۷۹.

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱ یافته‌ها توصیفی متغیرهای پژوهش و جدول ۲ همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
استدلال نیاز محور	۹/۱۵	۳۸/۰۲	۲۲/۷۱	۳/۱۲
استدلال قالبی	۶/۳۳	۴۸/۳۷	۲۲/۳۶	۳/۴۶
استدلال تأیید محور	۴/۲۶	۳۱/۹۱	۱۲/۵۲	۳/۹۱
استدلال درونی شده	۱۲/۷۹	۳۶/۶۱	۲۳/۹۲	۳/۱۱
استدلال لذت جویانه	۷/۳۳	۳۵/۲۹	۱۸/۴۶	۳/۱۶
دین داری	۲۴	۱۳۵	۷۸/۱۱	۱۴/۷۴
رفتار اجتماع یار گم نام	۵	۲۵	۱۸/۲۶	۴/۷۵
رفتار اجتماع یار مطیعانه	۲	۱۰	۶/۹۸	۱/۹۱
رفتار اجتماع یار بحرانی	۳	۱۵	۹/۷۸	۲/۵۸
رفتار اجتماع یار نوع دوستانه	۵	۳۱	۲۰/۳۸	۳/۶۱
رفتار اجتماع یار در معرض دید	۵	۲۰	۶/۸۵	۳/۰۴
رفتار اجتماع یار هیجانی	۵	۲۰	۱۳/۴۶	۳/۲۳
همدلی	۱۸	۷۱	۴۱/۷۳	۵/۷۴
درونی سازی هویت اخلاقی	۵	۳۵	۲۹/۶۷	۵/۳
نمادین سازی هویت اخلاقی	۵	۳۵	۱۹/۹۵	۶/۰۶
دروغ نامربوط	۷	۴۵	۲۲	۱۰/۳۵

در الگوی معادلات ساختاری نشانگرهای یک متغیر نهان لازم است که همگی با هم دارای همبستگی (کواریانس بدون ابعاد) باشند (کلاین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). در ماتریس همبستگی متغیرهای

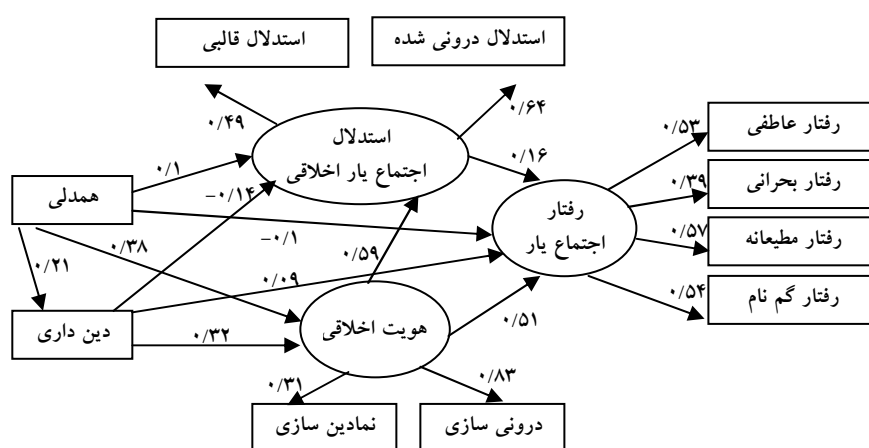
1- kline

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
														۱	۱
													۱	-۰/۰۳۲	۲
												۱	۰/۲۰۲**	۰/۱۵۶**	۳
											۱	۰/۴۲۴**	۰/۲۳۹**	۰/۱۲۷**	۴
										۱	۰/۲۰۲**	۰/۱۸۵**	۰/۳۵۹**	-۰/۲۰۴**	۵
									۱	۰/۱۳۸**	-۰/۱۶۷**	۰/۱۹۰**	۰/۰۰	-۰/۶۵۷**	۶
								۱	-۰/۲۴۳**	۰/۱۸۵**	۰/۱۱۷*	۰/۰۲۳	۰/۲۱۲**	۰/۱۸۸**	۷
							۱	۰/۲۴۷**	-۰/۲۹۶**	-۰/۱۶۷**	۰/۱۶۱**	-۰/۱۳۴**	-۰/۰۶۵	۰/۳۱۴**	۸
						۱	-۰/۴۳۱**	۰/۲۰۲**	۰/۱۱۴*	-۰/۰۸۹	۰/۱۰۹*	۰/۱۱۸*	-۰/۰۷۸	-۰/۰۷۸	۹
					۱	۰/۲۳۳**	-۰/۳۹۵**	-۰/۰۶۰۲**	۰/۱۸۰**	۰/۲۲۱**	۰/۱۱۷*	۰/۰۱۶	۰/۱۶۵**	-۰/۱۸۱**	۱۰
				۱	۰/۲۳۰**	۰/۰۰۳	-۰/۶۳۵**	۰/۴۵۲**	۰/۳۰۳**	۰/۱۶۰**	۰/۰۸۲	۰/۰۰۱	۰/۱۹۲**	-۰/۳۰۶**	۱۱
			۱	-۰/۰۴۵	۰/۰۶۵	-۰/۰۷۲	۰/۱۲۱*	-۰/۱۰۶*	-۰/۱۸۶**	۰/۰۶۱	۰/۱۸۸**	۰/۱۶۳**	۰/۲۵۹**	-۰/۱۸۲**	۱۲
		۱	۰/۲۹۰**	۰/۳۱۲**	۰/۲۴۰**	۰/۰۲۲	-۰/۱۹۸**	-۰/۳۴۷**	۰/۱۸۱**	۰/۲۷۱**	۰/۲۸۵**	۰/۹۶*	۰/۳۲۶**	۰/۱۸۲**	۱۳
	۱	۰/۳۵۹**	۰/۱۸۹**	۰/۰۳۷	۰/۱۷۳**	-۰/۰۹۱	۰/۰۲۱	-۰/۱۶۲**	۰/۹۶*	۰/۲۵۵**	۰/۱۲۶**	۰/۰۳۲	۰/۲۵۵**	-۰/۰۷۵	۱۴
۱	۰/۲۴۰**	۰/۳۹۳**	۰/۱۵۶**	۰/۲۲۴**	۰/۱۵۳**	۰/۰۱۳	۰/۱۴۴*	-۰/۲۲۳**	۰/۱۸۹**	۰/۰۴۷	۰/۲۶۸**	۰/۰۷۲	۰/۲۲۱**	-۰/۱۶۰**	۱۵

طرح اما در نشانگرهای متغیر نهران رفتار اجتماع یار (شامل رفتار اجتماع یار در معرض دید، مطیعانه، بحرانی، عاطفی، گمنام و نوع دوستانه) به شکل مثبت و معنی دار ( $p < 0/01$ ) فقط بین رفتار اجتماع یار عاطفی، گمنام، مطیعانه و بحرانی دیده شد و بنابر این در الگوی نهایی رفتار اجتماع یار در معرض دید و نوع دوستانه از نشانگرهای متغیر وابسته‌ی الگو حذف شدند. همچنین در متغیر استدلال اجتماع یار اخلاقی فقط دو متغیر استدلال اجتماع یار قالبی و استدلال اجتماع یار درونی شده واجد همبستگی مثبت و معنی دار ( $p < 0/01$ ) برای قرار گرفتن در الگو بودند. همچنین دو نشانگر هویت اخلاقی نیز (نمادین سازی و درونی سازی) واجد ملاک فوق برای تشکیل متغیر نهران هویت اخلاقی بودند.

قبل از بررسی برازش الگو برخی غربالگری‌ها بر روی داده‌ها انجام شد. ۶ آزمودنی که در معیار دروغ/ نامربوط آزمون PROM-R نمره‌ی بالایی داشتند (بالتر از  $Z+2$ ) از داده‌ها حذف شدند. پس از آن برای حذف داده‌های پرت از هنجار بودن چند متغیری نیز از طریق ملاک فاصله‌ی ماهالونوبیس ( $p < 0/001$ ) در نرم افزار Amos 5 استفاده شد (رجوع شود به کلاین، ۲۰۰۵) که از این طریق نیز ۸ مورد از داده‌ها کاسته شد. از طریق نرم‌افزار Amos 5 برازش الگوی پیشنهادی بررسی شد. نمودار ۲، این الگو و ضریب بتای استاندارد آن را در مسیرهای مختلف نشان می‌دهد.



نمودار ۲. الگوی نهایی و ضرایب مسیرها

همان‌طور در نمودار ۲ نشان می‌دهد علی‌رغم رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار همه‌ی مسیرها در ماتریس همبستگی برخی مسیرها در الگو منفی و یا غیرمعنی‌دار است که این نه بدلیل رابطه‌ی منفی که نشانگر حذف بتا به دلیل تبیین متغیر وابسته از طریق روابط میانجی تا رابطه‌ی مستقیم است (رجوع شود به کلاین، ۲۰۰۵). بر همین اساس شاخص‌های برازندگی الگو نیز برازندگی مناسبی را نشان نمی‌دهد (RMSEA = ۰/۳۹۵،  $\chi^2/df = ۰/۱۰۲$ ). بنا بر این ضروری است تا پس از حذف مسیرهای غیرمعنی‌دار و اصلاح الگو شاخص‌های برازندگی مجدداً بررسی شود.

همچنین، نمودار ۲ نشان می‌دهد که مسیرهای دین‌داری به رفتار اجتماع یار، استدلال اخلاقی به رفتار اجتماع یار، همدلی به رفتار اجتماع یار، دین‌داری به استدلال اخلاقی، و همدلی به استدلال اخلاقی غیرمعنی‌دار ( $p > ۰/۰۵$ ) است. پس از حذف مسیرهای غیرمعنی‌دار، الگوی پیشنهادی از طریق نرم افزار Amos 5 مورد اصلاح قرار گرفت. بر اساس اصلاحات پیشنهادی نرم افزار Amos 5 خطاهای متغیرهای نشانگر رفتار اجتماع یار عاطفی و رفتار اجتماع یار بحرانی از یک سو و رفتار اجتماع یار عاطفی و رفتار اجتماع یار مطیعانه از سوی دیگر به هم وصل شدند. نمودار شماره‌ی ۳ الگوی نهایی اصلاح شده و ضریب بتای استاندارد آن را نشان می‌دهد. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی الگوی نهایی اصلاح نشده را با الگوی اصلاح شده مقایسه می‌کند. همان طوری که در این جدول ملاحظه می‌شود الگوی اصلاح شده از برازندگی مناسبی برخوردار است.

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی و الگوی اصلاح شده (و همچنین ایدآل شاخص‌ها)

RMSEA	CFI	NFI	AGFI	GFI	$\chi^2/df$	
۰/۱۰۲	۰/۷۹۸	۰/۷۷۰	۰/۸۶۹	۰/۹۳۶	۵/۳۹۵	الگوی اصلاح نشده
۰/۰۷۰	۹/۸۹۵	۰/۸۵۵	۰/۹۲۷	۰/۹۶۰	۳/۰۵۷	الگوی اصلاح شده

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۳ مشاهده می‌شود فقط در یک قسمت الگو هم مسیر مستقیم و هم مسیر غیرمستقیم به سمت یک متغیر وجود دارد و آن عبارت است از مسیر

مستقیم همدلی به هویت اخلاقی که هم به طور مستقیم و هم توسط دین‌داری میانجی‌گری می‌شود. برای بررسی معنی‌داری میانجی‌گری دین‌داری در این مسیر از روش غیر پارامتریک فاصله‌ی اطمینان‌های خود راه انداز (بوت استراپ) مرتبط با سوگیری<sup>۱</sup> در نرم افزار AMOS استفاده شد (رجوع شود به آربوکل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). با توجه به این که در فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪/۰/۰۵۷<sup>۳</sup> و بالا<sup>۴</sup> به ترتیب ۰/۰۸۳ و ۰/۰۵۷ بود (یعنی این دو عدد هم علامت بوده و به عبارت دیگر عدد صفر در فاصله‌ی آن دو نبوده است) اثر میانجی‌گری دین‌داری در این جا معنی‌دار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در ماتریس همبستگی (جدول شماره ۲) دیده می‌شود طبق پیش‌بینی تمامی متغیرهای طرح، همبستگی معنی‌داری با هم دارند و معنادار نشدن برخی مسیرها نه به منزله‌ی عدم رابطه، بلکه نشانگر این است که با لحاظ کردن میانجی‌ها، عدم وجود این مسیرهای مستقیم تبیین علی بهتری برای فراهم می‌کند (کلاین، ۲۰۰۵). عدم رابطه‌ی مستقیم همدلی - رفتار اجتماع یار و مغایرت ظاهری آن با نظریه‌ی همدلی - نوع دوستی باتسون از چند حیث قابل فهم است. اولاً در تحقیقات باتسون غالباً همدلی به طور موقعیتی القاء می‌شد (پیلیاوپین و چارنگ، ۱۹۹۰). حال آنکه در تحقیق حاضر همدلی به عنوان متغیری گرایشی (شخصیتی) در نظر گرفته شده. البته در بسیاری از تحقیقات همدلی به عنوان مشخصه‌ای گرایشی نیز با رفتار اجتماع یار در ارتباط است (هاردی، ۲۰۰۶). رابطه‌ای که در ماتریس همبستگی طرح حاضر نیز رؤیت می‌شود. با این همه در این طرح این رابطه در کنار میانجی‌های دیگر مطرح شده و در نتیجه چندان هم با تحقیقات گذشته ناهمخوان نیست. همچنین طبق نظریه‌ی تجدیدنظر شده‌ی باتسون صرف همدلی همیشه رفتار اخلاقی را پیش‌بینی نمی‌کند. اگر این همدلی شدید و بدون تعدیل باشد و امکان‌گریز و اجتناب از موقعیت کمک‌رسانی وجود داشته باشد می‌تواند موجب گریز از موقعیت کمک‌رسانی شود. بنابراین میانجی تعدیل هیجان از طریق فرایندهای روانی

1- bias-corrected bootstrap confidence intervals

2- Arbuckle

3- 95% lower bound

4- 95% upper bound

دیگر لازم است تا همدلی را به کمک رسانی ختم کند (ایزنبرگ و اوکان، ۱۹۹۶). در تحقیق حاضر نیز همدلی با میانجی‌گری هویت اخلاقی و یا دین‌داری و هویت اخلاقی بود که توانست رفتار اجتماع یار را پیش‌بینی کند. شاید بتوان از این یافته این نتیجه‌گیری فلسفی را داشت که بر خلاف نظر دیدگاه عاطفه‌گرایی در فلسفه‌ی اخلاق، فقط هیجان (هیجانی چون همدلی) نمی‌تواند راه انداز رفتار اخلاقی باشد و سایر جنبه‌های اعتقادی-شناختی نیز در این بین لازم است.

همچنین همدلی به عنوان مؤلفه‌ای هیجانی نتوانست به طور مستقیم استدلال اخلاقی را تبیین کند. بلکه فقط از طریق میانجی‌گری هویت اخلاقی توانست این کار را انجام دهد. سازه‌ی همدلی در کنار مؤلفه‌های هیجانی مثل همدردی و پریشانی شخصی، شامل مؤلفه‌های شناختی مثل اتخاذ چشم‌انداز نیز می‌باشد (آبریو و همکاران، ۲۰۰۹). به علاوه استدلال اجتماع یار اخلاقی سطح بالاتر (درونی شده) شامل استدلال درباره‌ی همدردی و اتخاذ چشم‌انداز نیز می‌باشد (کارلو و همکاران، ۱۹۹۲). با این همه تحقیق حاضر نشان داد که صرف همدل بودن نمی‌تواند استدلال اخلاقی را پیش‌بینی کند، بلکه افراد همدلی که واجد هویت اخلاقی‌اند (با میانجی‌گری و بدون میانجی‌گری دین‌داری) استدلال اخلاقی بالاتری دارند. به عبارتی هویت اخلاقی در اینجا همانند مسیر همدلی به رفتار اجتماع یار، مسیر همدلی به استدلال اجتماع یار را بطور کامل میانجی‌گری می‌کند.

دین‌داری نیز به طور مستقیم رفتار اجتماع یار را تبیین نکرد. بلکه از طریق هویت اخلاقی رفتار اجتماع یار را پیش‌بینی کرد. پس فقط افراد دین‌داری اخلاقی‌اند که دین‌داری‌شان باعث هویت اخلاقی‌شان شده باشد. در ادیان الهی نیز غالباً نكوهش افراد ظاهراً دین‌داری که از همسایه‌ی خود غافلند و یا برعکس ستایش افراد ظاهراً غیر دین‌دار که دست به رفتارهای نوع دوستانه می‌زنند فراوان دیده می‌شود<sup>۱</sup>. بسیاری از نظریه‌پردازان معنویت، کمک‌رسانی به دیگران را از مؤلفه‌های مهم معنویت می‌دانند. همچنین امروزه محققین حوزه‌ی معنویت معتقداند معنویت و دین‌داری علی‌رغم اینکه تا حد زیادی با هم همپوشی دارند با این حال مفاهیمی

۱- رجوع شود به داستان سامری نیکوکار در انجیل (گنسلر، ترجمه ی بحرینی، ۱۳۸۷) و یا توجه شود به این حدیث امام حسین (ع) که می‌فرماید «اگر دین ندارید لا اقل آزاده مرد باشید».



مستقل‌اند. یعنی هر چند بسیاری از افراد دین‌دار معنوی و بسیاری افراد معنوی دین‌داراند با این همه هر فرد دین‌داری لزوماً معنوی نیست و بالعکس (مرعشی، ۱۳۸۷). در تحقیق هاردی و کارلو (۲۰۰۵) نیز دین‌داری وقتی بسیاری از رفتارهای اجتماع یار را پیش‌بینی می‌کند که از طریق ارزش‌های اخلاقی میانجی‌گری شود.

بر همین اساس احتمالاً می‌توان معنادار نشدن مسیر مستقیم دین‌داری به استدلال اجتماع یار و معنادار شدن با میانجی‌گری هویت اخلاقی را تبیین کرد. در ماتریس همبستگی نیز البته دین‌داری نه با استدلال درونی شده‌ی اخلاقی که فقط با استدلال قالبی در ارتباط بود. جی (۲۰۰۴) و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقشان نشان دادند که فقط دین‌داری درون زاد یا طلب است که با استدلال رشد یافته‌ی اخلاقی مرتبط است. در تحقیق حاضر دین‌داری از طریق هویت اخلاقی است که توانسته استدلال اخلاقی را پیش‌بینی کند. در الگوی حاضر همچنین همدلی توانست دین‌داری را پیش‌بینی کند این همخوان است با یافته‌های واتسون و همکاران (۱۹۸۴) و اسمیت (۲۰۰۳، به نقل از جی و همکاران، ۲۰۰۶).

اما جالب‌ترین یافته‌ی این تحقیق معنادار نشدن مسیر علی از استدلال اخلاقی به رفتار اخلاقی بود. هر چند که رابطه‌ی معنی‌داری در ماتریس همبستگی رؤیت می‌شود و همینطور هر چند که استدلال اخلاقی در بسیاری از تحقیقات دیگر نیز با رفتار اخلاقی همبستگی دارند این تحقیق نشان‌گر این است که این رابطه‌ی همبستگی نه به دلیل علیت که به دلیل داشتن علت‌هایی مشترک است. این مسأله با رویکرد باندورا<sup>۱</sup> به اخلاقیات بیشتر همخوان است. باندورا و مک دانالد<sup>۲</sup> (۱۹۶۳، به نقل از کریمی، ۱۳۸۵). در تحقیقی نشان دادند که کودکان از طریق مشاهده‌ی الگو می‌توانند دست به رفتارهایی بزنند که بسیار فراتر از رشد شناختی استدلال‌های آنها در نظریه‌ی کلبه‌ی کلبه‌ی کلبه است و بر این اساس این اعتقاد را مطرح کردند که رشد یافتگی استدلال‌ها نیست که رفتار اخلاقی را راه‌اندازی می‌کند.

برخی روان‌شناسان، اخلاق را به عنوان فرایند درونی کردن ارزش‌ها توصیف می‌کنند؛ ارزش‌هایی که در واقع ریشه در هنجارهای اجتماعی دارد (کریمی، ۱۳۸۵). این تلقی با رویکرد شناختی- اجتماعی و سازه‌ی هویت اخلاقی بیشتر همخوان است (اکوینی و همکاران،

1- Bandura

2- McDonald

در الگوی حاضر نیز تمام مسیرهای ختم شده به هویت اخلاقی و یا برآمده از آن معنا دارند. این مسأله می‌تواند مؤید اهمیت هویت اخلاقی و در کل ارزش‌های اخلاقی فرد را در مقوله‌ی اخلاقیات باشد.

البته همه‌ی پیشایندها به استثناء استدلال اخلاقی رفتار اجتماع یار را یا مستقیم و یا از طریق میانجی‌ها تبیین کردند. این نشانگر این واقعیت است که نظریه‌های مختلف در باب اخلاقیات هر یک در کنار دیگری و نه به طور مطلق می‌توانند مفید باشند. در مورد استدلال اخلاقی اما توجه به این مسأله ضروری است که رفتار اخلاقی در این جا رفتار اجتماع یار یا همان کمک‌رسانی بوده است. شاید سایر انواع رفتار اخلاقی (مثل وظیفه‌شناسی در محیط کار، مسئولیت اجتماعی و ...) و یا نبود برخی رفتارهای اجتماع ستیزانه، بهتر بتواند توسط استدلال اخلاقی پیش‌بینی شود.

## منابع

### فارسی

- آرین، خدیجه (۱۳۷۷). *ارتباط بین دین‌داری و بهزیستی در ایرانیان ساکن کانادا*. پایان‌نامه‌ی منتشر نشده‌ی دکترای دانشگاه علامه طباطبائی.
- بارون، رابرت. بیرن، دان. برنسکامب، نایلا (۱۳۸۸). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه یوسف کریمی. تهران: نشر دوران..
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹). *دانش و ارزش، پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق*. تهران: انتشارات یاران.
- شهنی‌بیلاق، منیجه؛ شکرکن، حسین، موحد، احمد (۱۳۸۳). *رابطه‌ی علی بین نگرش مذهبی، خوشبینی، سلامت روانی و جسمانی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز*. نشریه‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۳ (۱۱)، ۹۹-۱۱۴.

عظیم‌پور، علی‌رضا؛ نیسی، عبدالکاسم؛ شهنی‌بیلاق، منیجه؛ ارشدی، نسرین؛ بشلیده، کیومرث (در دست انتشار b). اعتباریابی مقیاس "اهمیت برای خویشتن هویت اخلاقی" بر دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *مجله‌ی شخصیت و تفاوت‌های فردی*، در دست انتشار.

عظیم‌پور، علی‌رضا؛ نیسی، عبدالکاسم؛ شهنی‌بیلاق، منیجه؛ ارشدی، نسرین؛ بشلیده، کیومرث (در دست انتشار c). اعتباریابی پرسشنامه‌ی همدمی تورنتو بر دانش‌جویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *مجله‌ی مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، در دست انتشار.

کریمی، ع. (۱۳۸۵). *مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک؛ با تأکید بر رویکردهای تحولی*. تهران: انتشارات عابد.

کرین، وی. سی. (۱۳۸۸). *نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها*. ترجمه‌ی غلامرضا خوی‌نژاد و علی‌رضا رجایی. تهران: انتشارات رشد.

گنسلر، ه. جی. (۱۳۸۷). *درآمدی جدید به فلسفه‌ی اخلاق*. ترجمه‌ی حمیده‌ی بحرینی تهران: نشر آسمان خیال.

مرعشی، سیدعلی (۱۳۸۷). *بهداشت روان و نقش دین*. تهران: نشر علمی و فرهنگی.  
ولف، ویلیام (۱۳۸۶). *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه‌ی محمد دهقانی. تهران: انتشارات رشد.

هولمز، آر. ال (۱۳۸۵). *مبانی فلسفه‌ی اخلاق*. ترجمه‌ی مسعود علیا. تهران: انتشارات ققنوس.

## لاتین

Albiero, P., Matricardi, G., Speltri, D., & Toso, D. (2009). The assessment of empathy in adolescence: A contribution to the Italian validation of the "Basic Empathy Scale". *Journal of Adolescence*, 32, 393-408.

Aquino, K., Reed, A., Thau, S., & Freeman, D. (2007). A grotesque and dark beauty: How moral identity and mechanisms of moral disengagement influence cognitive and emotional reactions to war. *Journal of Experimental Social Psychology*, 43, 385–392.

Aquino, K., & Reed, A. (2002). The Self-Importance of Moral Identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, (6), 1423–1440.

- Azimpuor, A., Neasi, A., Shehni- Yailagh, M., & Arshadi, N. (2012). Validation of "Prosocial Tendencies Measure" in Iranian University Students, *Journal of Life Science and Biomedicine*, 2 (2), 34-42.
- Azimpuor, A., Neasi, A., Shehni- Yailagh, M., Arshadi, N., & Beshlideh, K. (2012). Assessment prosocial moral reasoning on Iranian: Evaluation the measurement models and validation the measure of Prosocial Moral Reasoning on Iranian university students, *Journal of Life Science and Biomedicine*, 2 (6).
- Arbuckle, J. L., (2007). Amos™ 16.0 User's Guide. Chicago: Amos Development Corporation.
- Arnold, M. L. (2000). Stage, Sequence, and Sequels: Changing Conceptions of Morality, Post-Kohlberg. *Educational Psychology Review*, 12 (4), 365-383.
- Carlo, G., Eizenberg N., & Knight, G. P. (1992). An objective measure of adolescent's prosocial moral reasoning. *Journal of Research on Adolescence*, 2 (4), 333-349.
- Carlo, G., Hausmann, A., Christiansen S., & Randall, B. A., (2003). Sociocognitive and Behavioral Correlates of a Measure of Prosocial Tendencies for Adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 23 (1), 107-134.
- Carlo, G., McGinley, M., Roesch, S. C., & Kaminski J. W. (2008). Measurement invariance in a measure of prosocial moral reasoning to use with adolescents from the USA and Brazil. *Journal of Moral Education*, 37 (4), 485-502.
- Carlo, G., Randall, B. A. (2002). The Development of a Measure of Prosocial Behaviors for Late Adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 31 (1), 31-44.
- Doris, J., & Stich, S. (2006). Moral psychology: Empericl approaches. Stanford encyclopedia of philosophy. [http:// www. plato.stanford.edu/entries/moral-psych-emp](http://www.plato.stanford.edu/entries/moral-psych-emp).
- Eisenberg, N., Guthrie, I. K., Murphy, B. C., & Shepard S. A. (2005). Age Changes in Prosocial Responding and Moral Reasoning in Adolescence and Early Adulthood. *Journal of Research on Adolescence*, 15 (3), 235-260.
- Eisenberg, N., Guthrie, I. K., Murphy, B. C., Shepard, S. A., Cumberland, A., & Carlo, G. (1999). Consistency and development of prosocial dispositions: A longitudinal study. *Child Development*, 70 (6) 1360-1372.
- Eisenberg, N., & Morris, A. S. (2001). The Origins and Social Significance of Empathy-Related Responding. A Review of

- Empathy and Moral Development: Implications for Caring and Justice by M. L. Hoffman. *Social Justice Research*, 14 (1), 95-120.
- Eisenberg, N., & Okun, M. A. (1996). The Relations of Dispositional Regulation and Emotionality to Elders' Empathy-Related Responding and Affect While Volunteering. *Journal of Personality*, 64 (1), 157-183.
- Furrow, J. L., King, P. E., & White, K. (2004). Religion and positive youth development: Identity, meaning, and prosocial concern. *Applied Developmental Science*, 8 (1), 17-26.
- Gibbs, J. C., Basinger, K. S., Grime, R. L., & Snarey, J. R. (2007). Moral judgment development across cultures: Revisiting Kohlberg's universality claims. *Developmental Review*, 27, 443-500.
- Hardy, S. A. (2006). Identity, Reasoning, and Emotion: An Empirical Comparison of Three Sources of Moral Motivation. *Motiv Emot*, 30, 207-215.
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2005). Religiosity and prosocial behaviors in adolescence: the mediating role of prosocial values. *Journal of Moral Education*, 34 (2), 231-249.
- Harris, M. D., & Smith R. J. (1975). Mood and helping. *The Journal of Psychology*, 91, 215-221.
- Huebner, B., Dwyer, S., & Hauser, M. (2008). The role of emotion in moral psychology. *Trends in Cognitive Sciences*, 13 (1), 1-6.
- Ji, C-H. C. (2004). Religious Orientations in Moral Development. *Journal of Psychology and Christianity*, 23, (1), 22-30.
- Ji, C-H. C., Ibrahim, Y., & Dong Kim, S. (2009). Islamic Personal Religion and Moral Reasoning in Social Justice and Equality: The Evidence from Indonesian College Students. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 19, 259-274.
- Ji, C-H. C., Pendergraft, L., & Perry, M. (2006). Religiosity, altruism, and altruistic hypocrisy from protestant adolescents. *Review of Religious Research*, 48 (2), 156-178.
- Kline, R. B., (2005). Principles and practice of structural equation modeling. New York and London: the Guilford press.
- Leffel, G., Michael, F., Malerie, E. S., & Michael, R. (2008). Who cares? Generativity and the moral emotions, part 3, a social intuition "ecology of virtue". *Journal of Psychology and Theology*. 36 (3), 202-221.
- Morton, K. R., Worthley, J. S., Testerman, J. K., & Mahoney. M. L. (2006). Defining features of moral sensitivity and moral

- motivation: Pathways to moral reasoning in medical students. *Journal of Moral Education*, 35 (3), 387-406.
- Nunner-Winkler, G., Meyer-Nikele, M., & Wohlrab, D. (2007). Gender Differences in Moral Motivation. *Merrill-Palmer Quarterly*, 53 (1), 26-52.
- Penner, L. A., Dovidio, J. F., Piliavin, J. A., & Schroeder, D. A., (2005). Prosocial behavior: Multilevel Perspectives. *Annual Review of Psychology*. *Annu. Rev. Psychol*, 56, 365-92.
- Piliavin, J. A., Charng, H-W. (1990). Altruism: A review of recent theory and research. *Annual review of sociology*, 16, 27-56.
- Saelen, C., Markovits, H., (2008). Adolescents' emotion attributions and expectations of behavior in situations involving moral conflict. *Journal of Experimental Child Psychology*, 100, 53-76.
- Spereng, R. N., McKinnon, M. C., Mar, R. A., & Levine, B., (2009). The Toronto Empathy Questionnaire: Scale development and initial validation of a factor-analytic solution to multiple empathy measures. *Journal of Personality Assessment*, 91 (1), 62-71.
- Watson, P. J., Ralph W. H., & Ronald, J. M. (1985). "Dimensions of Religiosity and Empathy". *Journal of Psychology and Christianity*, 4, 73-85.
- Wowra, S. A. (2007). Moral identities, social anxiety, and academic dishonesty among American college students. *Ethics & Behavior*, 17 (3), 303-321.